

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
نه	یادداشت مترجم
۱	مقدمه
۲۱	پاپيروس و ورق پوستی
۲۱	پاپيروس / قرطاس
۳۲	ورق پوستی / پارشمن
۵۳	بوم کاغذ
۵۵	کاغذهای بدون ته‌نقش سده‌های میانه
۶۳	کاغذهای ته‌نقش دار
۶۷	کاغذهای مخصوص
۷۲	گُرّاسه‌های نسخه‌های خطی
۷۳	ملاحظات در باره گُرّاسه
۸۰	گُرّاسه در نسخه‌های خطی پوستی
۹۳	گُرّاسه‌های مختلط
۹۸	گُرّاسه‌های نسخه‌های خطی کاغذی
۱۰۸	روش‌های نشان دادن ترتیب برگ‌ها
۱۲۴	ابزار و وسایل
۱۲۴	ابزار کار کاتبان، نقّاشان و مذهبّان
۱۳۵	مرگب‌های مشکی

صفحه	عنوان
۱۴۳	مرگب‌های رنگی
۱۶۷	رنگینه‌ها در نسخه‌های مغربی (سده ششم تا نهم هجری): اصول تشخیص و مقایسه
۱۹۹	سطراندازی و صفحه‌آرایی
۲۰۱	سطراندازی
۲۱۱	صفحه‌آرایی
۲۳۱	هنروران نسخه‌پرداز
۲۳۱	هویت نسخه‌برداران
۲۳۹	مکان‌های کتابت
۲۴۸	روال کار
۲۵۶	نگارگران و تذهیب‌کاران
۲۵۸	جلدسازان و صحافان
۲۶۰	خطوط
۲۶۰	کهن خط‌شناسی، هدف‌ها و روش‌ها
۲۶۶	خطوط کتابت عربی: ملاحظات اولیه
۲۷۳	آینده پژوهش
۲۸۲	پی‌افزود: اعراب‌گذاری و نشانه‌های اِعمال
۲۹۰	کتاب‌آرایی
۲۹۰	بررسی تزینات: اهداف و ابزار
۲۹۴	نسخه‌های خطی و هنرهای تزینی
۳۰۰	تزینات نسخه
۳۱۷	فهرستگان
۳۲۰	برگ‌های تزین شده
۳۲۳	نگارگری نسخه‌های خطی
۳۲۶	جلد و جلدسازی
۳۲۸	مرور کلی

صفحه	عنوان
۳۳۲	کارمایه‌ها و روش‌ها
۳۶۷	انواع جلد و آرایه آنها
۳۹۴	تاریخ نسخه
۳۹۴	صفحه عنوان
۴۰۲	انجامه و تاریخ‌گذاری
۴۲۰	منابعی برای تاریخ نسخه
۴۳۸	تاریخچه مخازن
۴۳۸	نسخه‌شناسی و تاریخچه مخازن
۴۵۴	فهرست‌های نسخه‌های خطی
۴۶۳	منابع و مآخذ
۴۸۴	واژه‌نامه
۴۹۵	نمایه

با یاد

ایرج افشار

تقدیم به

نجیب مایل هروی

و

فرانسیس ریشار

یادداشت مترجم

اصطلاح نسخه‌شناسی یا *codicologie* از پیوستن دو واژه *codex* به معنی نسخه و مصحف (مُجلّد متشکل از گُرّاسه‌ها) و *logos* به معنی دانش و شناخت ساخته شده است. این دانش در ابتدا به مطالعه تاریخ مخازن کتابخانه‌ها و مجموعه‌ها می‌پرداخت، اما بعدها به‌طور خاص به مطالعه در عناصر تشکیل‌دهنده یک نسخه خطی (فارغ از متن و موضوع کتاب) اختصاص یافت. بدین ترتیب، اکنون موضوع این دانش عبارت است از: بوم‌نوشتار (کاغذ، پوست، پاپیروس و غیره)؛ ابزار کتابت (قلم، مرکب و غیره)؛ کراسه‌ها (تعداد و ترکیب آنها)؛ صفحه‌آرایی (سطراندازی، آرایش و تذهیب نسخه) و صحافی و جلدسازی.

نسخه‌شناسی همچنین به پژوهش درباره موضوعاتی می‌پردازد که به متن مؤلف مربوط نمی‌شود. چیزهایی مانند انجامه (دربردارنده اسم کاتب، مکان و تاریخ استنساخ و مطالب مربوط به کاتب)؛ صاحبان نسخه؛ سفارش‌دهنده؛ مؤلف اثر؛ نشانه‌های وقف؛ یادداشت‌ها، اجازات و تصدیق‌ها (مانند سماع و قرائت و مقابله)؛ منشأ و خاستگاه؛ سیروسفر و مکان‌های نگهداری نسخه‌ها؛ روش‌های کتابت؛ کاغذگری و کاغذخانه‌ها؛ مُدّه‌بان و جلدسازان؛ تأثیر جغرافیا و دوره‌های مختلف بر تولید نسخه؛ و نیز مطالعه تاریخ و سیر تولید و تصویربرداری از نسخه.

کتاب حاضر که دارای یک مقدمه و یازده فصل است، پژوهشی است در عناصر اصلی نسخه‌های نگاشته شده به خط عربی. نسخه‌شناسی متون اسلامی، آن‌گونه که در این کتاب آمده، گرایشی در دانش نسخه‌شناسی است که پس از نسخه‌شناسی متون یونانی و لاتینی پدید آمده و به زعم برخی پژوهشگران، سال

۱۹۸۶ میلادی، سال آغاز این رشته از مطالعات - یعنی نسخه‌شناسی دست‌نوشته‌های به خط عربی - بوده است.

در این سال، اولین همایش نسخه‌شناسی دست‌نویس‌های خاورمیانه به دبیری فرانسوا دروش، نسخه‌شناس معروف فرانسوی و مدیر پژوهش‌های École pratique des hautes études، در استانبول برگزار شد. او به هنگام ارائه مقاله خود در دومین اجلاس بنیاد میراث اسلامی الفرقان (دسامبر ۱۹۹۳ میلادی)، خبر از نگارش کتابی در زمینه نسخه‌شناسی داد؛ خبری که با توجه به صلاحیت و مقبولیت نویسنده، مورد توجه محافل نسخه‌شناسی جهان قرار گرفت تا اینکه کتاب *Manuel de codicologie des manuscrits en écriture arabe* (دستنامه نسخه‌شناسی نسخه‌های به خط عربی) در سال ۲۰۰۰ میلادی به زبان فرانسه انتشار یافت.

این کتاب که با همکاری فرانسوا دروش و گروهی از متخصصان نسخه‌های شرقی - به‌ویژه برخی از پژوهشگران کتابخانه بریتانیا - نوشته شده، در سال ۲۰۰۵، به همت او و بنیاد الفرقان، به زبان‌های انگلیسی (*Islamic Codicology*) و عربی (*المدخل الى علم الكتاب المخطوط بالحرف العربي*) نیز ترجمه و منتشر شد.

در ایران، اندکی پس از انتشار کتاب، نشریه *نامه بهارستان* به سردبیری نادر مطلبی کاشانی با انتشار مقاله‌ای به معرفی آن پرداخت. همچنین ترجمه برخی مقالات آن نیز در این نشریه به چاپ رسید که دقیق‌ترین آنها به قلم دکتر آذین حسین‌زاده است.

این اثر، پس از گذشت ۱۶ سال از انتشار، همچنان تنها متن آموزشی نسخه‌شناسی است که در کشورهای مختلف تدریس می‌شود. از این رو، شایسته بود ترجمه‌ای از آن به زبان فارسی نیز برای رفع نیاز دانشوران و علاقه‌مندان این حوزه از دانش فراهم آید.

با توجه به اهمیت اثر و آموزشی بودن آن، آقای دکتر مهدی احمدی، به نمایندگی از سازمان سمت، ابتدا متن انگلیسی کتاب را برای ترجمه به فارسی پیشنهاد دادند، اما در نهایت و پس از ملاحظات قرار شد ترجمه فارسی بر اساس متن

اصلی کتاب (به زبان فرانسوی) انجام گیرد.

با اینکه مترجمان انگلیسی و عربی کتاب از پژوهشگران صاحب‌نام نسخه‌شناسی اسلامی به شمار می‌آیند و چندین سال برای ترجمه این اثر وقت صرف کرده‌اند، عیسی ویلی در شناسنامه ترجمه انگلیسی کتاب «ویراستار» شناخته شده و بر کار استاد ایمن فؤاد سید نیز، نقدهایی وارد شده است که برخی از آنها در فضای مجازی در دسترس است.

به جز مشکلات عام ترجمه از یک زبان به زبان دیگر، از دشواری‌های ترجمه این اثر پرداختن نویسندگان مقاله‌های مختلف آن به جنبه‌های مختلف نسخه‌شناسی است که هر یک در آن تخصص کافی و وافی داشته‌اند و طبیعتاً مترجم نمی‌توانسته از همه آنها به‌خوبی نویسندگان‌شان آگاه باشد. دشواری دیگر این ترجمه نیاز آن به بهره‌گیری از انبوهی از واژگان فنی، هنری و نسخه‌شناسی و گاه معادل‌سازی برای آنها بود. یافتن اصطلاحات اصیل فارسی در برابر واژه‌های فنی فرانسوی، چندین برابر مدت ترجمه کتاب زمان نیاز داشت که اگر راهنمایی‌های استادان و پژوهشگران حوزه‌های مختلف نسخه‌شناسی نبود، ترجمه این کتاب بیش از اینها به طول می‌انجامید. از همه دانشورانی که در این راه یاری رساندند فراوان سپاسگزارم. در انتها وظیفه خود می‌دانم از روانشاد استاد ایرج افشار با احترام یاد کنم که آشنایی‌شان با زبان فرانسه و نمونه‌های پیشنهادی‌شان، یافتن برابره‌های دقیق فارسی را آسان‌تر ساخت. نیز، سپاسگزار لطف دوست عزیز، نادر مطلبی کاشانی که مشوق نگارنده در ترجمه متون نسخه‌شناسی بودند و استاد گرامی‌ام نجیب مایل هروی هستم که با یاری صمیمانه و صبورانه، مشکل گشای پرسش‌های بی‌پاسخ و دشواری‌های زمان‌بر در ترجمه این کتاب بودند.

قدردان محبت‌ها و شکیبایی‌های بسیار همسر و فرزندم در طول این سال‌هایم و وامدار مهربانی‌های دوست دانشمندم دکتر بهروز ایمانی که در تغییر برنامه‌های بنیادین مدیران که دیگر بدل به رویه‌ای جانکاه در عرصه دانش و فرهنگ شده است، با حمایت‌ها و دلگرمی‌هایش به ادامه راه امید می‌بخشید. از جناب آقای دکتر

عبدالرضا نوروزی چاکلی، جناب آقای دکتر حسین هاجری، سرکار خانم دکتر شهره روغنی و سرکار خانم لیلا شرف نیز که تأخیر چندساله در تحویل ترجمه را با حسن خلق، شکیبایی کردند تشکر می‌کنم.

ترجمه حاضر، بی‌شک، خالی از سهو و خطا نیست و همه آنها متوجه مترجم است. امید است دانشمندان و پژوهشگران و نسخه‌شناسان گرامی، در رفع این نقایص مترجم را یاری رسانند تا در چاپ‌های بعدی، ترجمه‌ای دقیق‌تر و صحیح‌تر در اختیار خوانندگان محترم قرار گیرد.

سید محمدحسین مرعشی

مقدمه

واژه نسخه خطی / *manuscript* که برای نخستین بار، در سال ۱۵۹۴ (در زبان فرانسه)، به کار رفته است، نشان می‌دهد که اختراع چاپ، تا اندازه‌ای با به وجود آمدن این واژه، مرتبط است. زیرا پس از این اختراع، کتاب‌هایی پدید آمدند که دیگر با دست نسخه‌برداری نمی‌شدند. از آنجا که شیوه سنتی تولید کتاب، اندک اندک در برابر رقیبی قدرتمند، از میان می‌رفت، واژه نو «نسخه خطی» یا کتاب دست‌نویس، وارد زبان شد که موضوع کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

البته، در زمینه‌های دیگر، از اسناد اداری تا مقالات ادبی - دست‌آدمی، همچنان، به طور جدی قلم را به کار می‌گرفت و تا مدت‌ها پس از سده شانزدهم، آن را زمین نگذاشت. اما این موضوع، تنها به کتاب مربوط نمی‌شود، اسنادی را که در حوزه‌های مربوط به پاپیروس‌شناسی، سندشناسی و مانند اینها قرار می‌گیرند، نیز دربر می‌گیرد. مواردی مانند کتیبه‌ها از محدوده تحقیق ما در این گزارش خارج‌اند، هرچند برخی از آنها حاوی متونی هستند که در نسخه‌های خطی نیز آمده است، و یا با ابزارهایی شبیه آنچه کاتبان به کار می‌بردند نوشته شده‌اند. در مجموع، کتاب‌هایی که در سده‌های متوالی، با دست، نسخه‌برداری شده‌اند و به عبارت دقیق‌تر، صورت خاصی از دست‌نویس که «مصحف / *codex*» نام دارد، موضوع رشته نسخه‌شناسی / *codicologie* است.

اما نسخه‌شناسی به چه معنایی است؟ نسخه‌شناسی اصطلاحی متأخر است.^۱

۱. در مورد شرایط ورود این کلمه به زبان فرانسه، خوانندگان کتاب ر.ک:

J. Lemaire, *Introduction*, p. 1, n. 1 et 2.

تعریف نزدیک به ریشه‌شناسی آن (واژه‌های *codex* لاتینی و *λόγος* یونانی)، می‌تواند چنین باشد: «بررسی مُصحف یا دانش مُصحف». اما این تعریف بی‌تردید، اندکی کوتاه است و نیازمند توضیحات تکمیلی است. دانشی که به نام نسخه‌شناسی خوانده می‌شود، از برخی جهات، مشروعیت خود را از طریقی که در غرب، به طور سنتی، برای معرفی کتاب‌هایشان استفاده می‌کردند، به دست آورده است. زبان لاتین و پس از آن، زبان فرانسه، برخلاف زبان عربی که بر جنبه نوشتاری مکتوب تأکید دارد (در کلمه‌هایی مانند «کتاب»، «مخطوط»)، از جنبه ریشه‌شناختی، پیش از هر چیز، به مصالح کار توجه دارند: «livre»، «codex» و «volume»، که به ترتیب، به زنده‌چوب [= قسمتی از تنه درخت که میان پوست و مرکز ساقه قرار دارد]، لوحه چوبی، یا طومارِ پایروس گفته می‌شود.

بنابراین نسخه‌شناسی در وهله نخست، در پی شناخت جسم مُصحف، یعنی کتابِ دست‌نویس است که از کنار هم قرار گرفتن تعدادی گُرّاسه تشکیل می‌شود. به عبارت ساده‌تر، ساختاری که موضوع نسخه‌شناسی را تبیین می‌کند همان ساختار کتاب‌هایی است که در این روزگار نیز از آنها استفاده می‌کنیم، هرچند چاپ، جای قلم‌کاتب را گرفته است.

هر کتابی نسخه خطی نیست

پیش از ادامه بحث، لازم است یادآوری کنیم که کتاب‌ها، به شیوه‌های مختلف ساخته می‌شوند. لَفاف / *volumen* یا طومار، برای روزگاری دراز، رایج‌ترین نوع کتاب در حاشیه دریای مدیترانه بود.^۱ با رواج مُصحف، شکل‌های دیگر کتاب از میان رفتند. مسلّم است که دست‌نویس به شکل طومار، از لحاظ کمی، در جهان

۱. برای اطلاع از تاریخ کتاب خطی و به ویژه دوران پیدایش کتاب به صورت مصحف، منابع بسیاری وجود دارد برای نمونه ر.ک:

C. H. Roberts et T. C. Skeat, *The birth of the codex*; A. Blanchard éd., *Les débuts du codex* [Bibliologia, 9], Turnhout, 1989.

عربی - اسلامی، چندان مطرح نبوده است.^۱ اوایل ظهور اسلام، در سرزمین‌های پیرامون مدیترانه و مجاور آن، شیوه مُصحف جای لَفَّاف را گرفت. ترکیب لَفَّاف، تنها در تورات‌های طوماری، در مراسم آیینی جماعت‌های یهود، به صورت میراث باقی مانده بود؛ و بدون شک، پیامبر اسلام و اصحابش با این شیوه کتاب‌پردازی آشنا بوده‌اند،^۲ اما هنگامی که ناگزیر شدند متن وحی را در شکلی از کتاب جای دهند، شیوه مُصحف را انتخاب کردند که در آن دوران، بسیار رایج بود.

لَفَّاف و طومار عمودی

لَفَّاف (تصویر ۱) که ویژگی آن عمود قرار گرفتن سطور متن بر محورِ باز شدن طومار است، به صورتی که ستون‌های متوالی نوشته‌ها، در پی یکدیگر قرار گیرند، ظاهراً، از جانب کاتبان مسلمان هرگز مورد استفاده قرار نگرفته است. تنها دست‌نویس‌های اسلامی طوماری شکل که از آنها اطلاعی در دست است، از مقوله طومارهای عمودی (rotulus) هستند (تصویر ۲). در این شیوه، متن با محورِ طومار موازی است.^۳ البته، از جنبه خوشنویسی، به ویژه، در مورد نسخه‌های قرآنی، دارای تنوع‌اند، اما این استثناها اندک و بسیار غیر معمول‌اند. در اینجا، برای ختم این کلام کوتاه، به شیوه خاص اندونزیایی اشاره می‌کنیم که در این روش، نوارهای بلند و باریک برگ خرما که روی هر یک از آنها تنها یک سطر از متن نوشته می‌شود، از کنار به یکدیگر دوخته

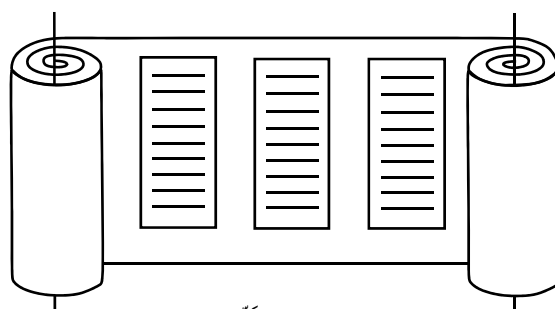
۱. ر.ک: طلسم‌ها و غیره. در عین حال در رساله عبدالملک بن اسحق کندی آمده است که مسلمانان صدر اسلام، پیش از اقدام عثمان، متن قرآن را بر روی برگ و طومار، به صورت طومارهای یهودی حفظ می‌کردند. ر.ک:

P. Casanova, *Mohammed et la fin du monde. Étude critique sur l'islam primitif*, Paris, 1911, p. 121; G. Troupeau, s.v. «al-Kindi», *EF*², V, p. 123-124.

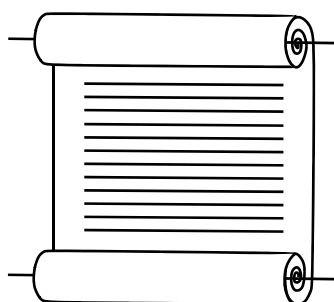
۲. قرآن از واژه «توراة» در چند آیه استفاده کرده است (س ۳، ۴۸، ۵۰، ۶۵، ۹۳؛ س ۵، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰؛ س ۷، ۱۵۷؛ س ۹، ۱۱۱؛ س ۴۸، ۲۹؛ س ۶۱، ۶؛ س ۶۲، ۵) که نشان‌دهنده آشنا بودن این واژه برای مخاطبان پیامبر است.

3. S. Ory, «Un nouveau type de mushaf. Inventaire des corans en rouleaux de provenance damasquine, conservés à Istanbul», *REI* 33, 1965, p. 87-149.

می‌شوند. قابی چوبی یا فلزی، از دو سو، دو استوانه این نوع دست‌نویس‌ها را نگاه می‌دارد (دست‌نویس جا‌کارتا Vt. 43, Perpustakaan Nasional).^۱



تصویر ۱ لَکَاف



تصویر ۲ طومار عمودی

مرفع

برخی از نسخه‌های خطی ظاهری شبیه مُصَحَف دارند، اما ساختار آنها متفاوت است: در این گونه نسخه‌ها کُرَّاسه‌ای وجود ندارد. کسانی که در زمینه خوشنویسی یا نگارگری کار می‌کنند، قطعاً به مجموعه‌های مرفع برخورد کرده‌اند که شکل آکاردئونی داشته‌اند.^۲

این کتاب‌ها از ورقه‌های مقوایی با لولاهای نرم پارچه‌ای متصل به هم که

۱. از آقای ویتکام سپاسگزاریم که توجه ما را به این نسخه جلب کرد.

۲. برای تصویرها ر.ک:

CHICAGO 1981, p. 219-221, n° 94, pl. coul. O (Chicago, Or.Inst. A12100, de la fin du XVIII^e s.) ou U. Derman, «Hat», *Sabancı Koleksiyonu*, p. 49.

روی آنها نگاره‌ها و قطعات خوشنویسی‌ها چسبانده شده بود، ساخته می‌شد. آثاری که یک مجموعه‌دار آنها را جمع آوری کرده بود. این مجموعه‌ها، نسخه‌های خاصی‌اند که فراهم آمدن آنها حاصل کار مجموعه‌داری است که قطعات را بر حسب علاقه خود، از منابع مختلف فراهم آورده است. شکل خاص دیگر را می‌توان در برخی نسخه‌های افریقایی جنوب صحرا دید که در آنها اوراقی پراکنده، در یک مجلد گردآوری شده‌اند.^۱

تک‌برگی‌ها

نسخه‌های تک‌برگی *in-plano*، نسخه‌هایی هستند که هر برگ آنها، مطابق یک ورق،^۲ از ماده مورد استفاده است. در جهان اسلام، این روش کتاب‌پردازی، ظاهراً در اعصار قدیم شناخته شده بوده است: نمونه‌های نادر برجای مانده، روی ورق پوستی نوشته شده‌اند و امکان چگونگی تهیه شدن آن را به سادگی ممکن می‌سازد. متأسفانه هیچ‌یک از آنها با جلد اصلی خود به روزگار ما نرسیده است و لذا نمی‌توان فهمید که در اصل، برگ‌ها چگونه در کنار هم قرار می‌گرفته‌اند. نسخه BNF arabe، 324 پاریس که می‌توان تاریخ کتابت آن را نیمه دوم سده دوم هجری دانست، نمونه‌ای از این گونه به شمار می‌رود.^۳ بررسی مقدماتی این نسخه نشان می‌دهد که

۱. ر.ک: فصل کراسه‌های نسخه‌های خطی و نیز:

MUNICH 1982, p. 140 et fig. 24 (ms. Munich, BSB Cod. arab. 2641, du XIX^e s.).

۲. بدین ترتیب برخلاف آنچه معمولاً رسم بوده در اینجا تاخوردگی وجود ندارد.

۳. منظور بخشی از نسخه است که میان چندین کلکسیون پراکنده شده است: در مورد برگ‌هایی

که در پاریس نگهداری می‌شود ر.ک:

E. Tisserant, *Specimina codicum orientaliū*, p. xxxii, pl. 42; R. Blachère, *Introduction au Caran*, 2^e éd., Paris, 1959, p. 96, 99, 100; G. Bergsträsser et O. Pretzl, «Die Geschichte des Korantexts», dans *GdQ*, t. III, Leipzig, 1938, p. 254; F. Déroche, *Cat.* I/1, p. 75-77.

برگ‌های دیگر در کلکسیون‌های دیگر هستند:

Le Caire, Dār al-kutub (cf. B. Moritz, *Ar. Pal.*, pl. 1-12; A. N. Shebunin, «Kuficheskiĭ Koran Khedivskoj Biblioteki v Kaïre», *Zapiski Vostochnago Otdelenija Imperatorskago russkago arkheologicheskago obshchestva* 14, 1902, p. 120-125) et Gotha, Forschungsbibliothek Ms. Orient. A. 462 (cf. J. H. Möller, *Paläographische Beiträge aus den herzoglichen Sammlungen in Gotha*, 1. Heft, Erfurt, 1844, pl. XIV; H. C. von Bothmer, *GOTHA* 1997, p. 105-107).

در بیشتر برگ‌های آن، طرف لش به عنوان صفحه فرد مورد استفاده قرار می‌گرفته است.^۱ دو دسته از برگ‌های آن - برگ‌های ۱۸ تا ۲۷ و ۳۰ تا ۳۷ - حاوی یک متن پیوسته هستند، یک دسته دارای ده برگ و دسته دیگر دارای هشت ورق است. همان‌گونه که گفته شد، طرف لش برگ‌ها، طرف روی برگ‌ها هستند، به استثنای برگ ۲۳ که برعکس است. می‌توان تصور کرد که این برگ‌ها بازمانده کراسه‌های شانزده یا بیست‌برگی هستند، اما توضیحی دیگر نیز وجود دارد که از نظر ما مقدم است. از نتیجه بررسی ۱۲۲ برگ از یک متن قرآنی که در دست‌نویس‌های استانبول، TIEM 51, 52 نگهداری می‌شوند و خط آنها شبیه خط پاره‌نسخه‌های پاریس [کتابخانه ملی فرانسه] است، می‌توان ادامه متوالی طرف لش، به عنوان روی برگ‌ها را اثبات کرد.^۲ هر دوی این موارد [قرآن استانبول و پاره‌نسخه‌های پاریس]، نسخه‌های تک‌برگی‌اند که هر یک از برگ‌های آنها، مطابق با یک قطعه پوست کامل است: از این رو، تاخوردگی وجود ندارد، هرچند [در این موارد] کراسه، بنیان

۱. درباره طرف لش پوست، ر.ک: فصل پایروس و چرم.

۲. نسخه‌های دیگری را می‌توان در این گروه قرار داد. به غیر از نسخه‌های

Istanbul, TIEM 51 et 52 et Paris, BNF arabe 324 (voir la bibliographie en n. 10).

قرآنی در مسجد سیدنا حسین و قرآن معروف به قرآن عثمان در تاشکند را می‌توان از این گروه دانست. هرچند داوری در مورد قرآن مسجد سیدنا حسین براساس عکس‌های آن دشوار است.

اندازه آن ۷۰×۶۰ cm است. ر.ک:

F. Neema, «Restaurado, el Corán más antiguo», *Excelsior*, Mexico, D. F., suppl. du dimanche 25/07/1993,

المُنَجَّد، دراسات فی تاریخ الخط العربی منذ بدایه الی نهائیه العصر الاموی، ص ۵۳ و ۵۴. در

مورد نسخه تاشکند ر.ک:

A. N. Shebunin, «Kuficheski Koran Imperatorskoj Sankt-Petersburgskoj publichnoj biblioteki», *Zapiski Vostochnago Otdelenija imperatorskago russkago arkheologicheskago obshchestva*, 6, 1891, p. 75-81; S. al-Munaggid, *op. cit.*, p. 50-52; E. Rezvan, «The Qur'ân and its world: VI. Emergence of the canon: the struggle for uniformity», *Manuscripta orientalia*, 4/2, 1998, p. 47, n. 11 (bibliographie de publications en russe); à comparer avec des feuillets proposés à la vente à Londres (cf. Christie's, vente des 20 et 22 octobre 1992, lots 225 et 225 A; vente des 19 et 21 octobre 1993, lots 29 et 30).

به نوشته آر. رید / R. Reed. اندازه این نسخه‌ها احتمالاً مطابق با اندازه‌های چرمی است که از

پوست بز تهیه شده است

(*Ancient skins, parchments and leathers*, p. 130).

کتاب قرار نمی‌گیرد و برگ‌ها، همه، به یک صورت جای گرفته‌اند. به عبارت دیگر، صفحه روی همه برگ‌ها، طرفِ لَش و صفحه پشت آنها، طرفِ رَخ پوست هستند. حالت این دست‌نویس‌ها - که مرمت‌های متعدد آنها بدیهی می‌نماید - در این است که نمی‌توان دریافت برگ‌ها، در ابتدا، چگونه کنار هم قرار داشته‌اند، آیا [صحافی] آنها دوخت میله‌ای بوده است^۱ یا روی یک باریکه چرم، سوار می‌شده‌اند؟ در هر صورت، این پرسش‌ها بی‌پاسخ می‌ماند. دست‌نوشته صنعا (دارالمخطوطات ۲۰-۳۳.۱) نسخه‌ای است که احتمالاً به همین شیوه ساخته شده است، اما مشخص نیست که همه برگ‌های آن در یک جهت قرار داشته باشد.^۲ امروزه، در این زمینه، هیچ اطلاع دقیقی وجود ندارد. آیا روش یادشده، برای دست‌نوشته‌های بر روی کاغذ نیز به کار می‌رفته است؟ احتمالاً برخی قرآن‌های خطی قطع بسیار بزرگ، مانند قرآن بایسنقری که اندازه هر برگ آن، در وضعیت کنونی، ۱۷۷×۱۰۰ سانتیمتر است، به همین صورت تک‌برگی بوده‌اند.^۳

گسترش اسلام، سبب شد تا فاتحان عرب، خیلی زود با تمدن‌های دیگر که در آنها، کتاب‌سازی راه‌های متفاوتی پیموده بود، ارتباط پیدا کنند. رویارویی مسلمانان با امپراتوری چین، در نبرد طلس / Talas (۱۳۳ ق) نتایج بسیار مشهودی در زمینه مورد بحث ما داشت: با اسارت صنعتگران کاغذگر، کاتبان مسلمان، اندک اندک، کاغذ را برای نسخه‌برداری نسخه‌ها پذیرفتند.^۴ در مقابل، صورت چینی کتاب، در میان مسلمانان، اقبالی نیافت. روابط با شبه قاره هند تأثیری در سرنوشت کتاب عربی - اسلامی نداشت: کاربرد آل / ôles (تصویر ۳) که یکی از ویژگی‌های شیوه نسخه‌پردازی بومی به حساب آمد، و در جهان اسلام، نوارهای برگ خرما، تنها در موارد خاص، مانند موردی که در سطور پیشین به آن اشاره شد، کاربرد داشت.

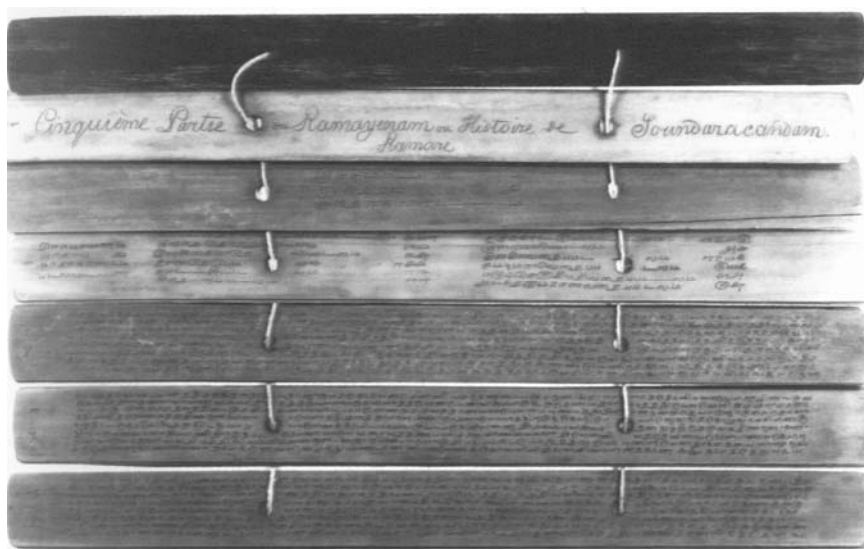
۱. به معنی سوراخ کردن یک دسته کاغذ از حاشیه نزدیک عطف

cf. D. Muzerelle, *Vocabulaire*, p. 179.

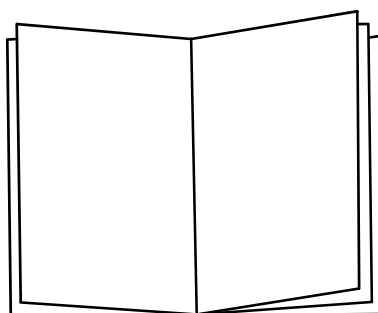
2. U. Dreibholz, «Der Fund von Sanaa. Frühislamische Handschriften auf Pergament», dans P. Rück ed., *Pergament, Geschichte-Struktur-Restaurierung-Herstellung*, [Historische Hilfswissenschaften, 2], Sigmaringen, 1991, p. 301, n. 9.

3. D. James, *After Timur, Qur'ans of the 15th and 16th centuries*, p. 18-23.

۴. ر.ک: فصل بوم کاغذ.



تصویر ۳ نسخه هندی (آل). Paris, BNF Indien 283



تصویر ۴ مصحف

جایگاه نسخه‌شناسی در مطالعه نسخه‌های خطی

بدین قرار، توجه نسخه‌شناس، بیشتر، معطوف به مصحف/codex (تصویر ۴) می‌شود. آن گونه که پیش از این دریافتیم این توجه به نسخه‌شناسی سابقه کهن ندارد و از رشته‌های جدید است. در واقع، در قرن بیستم بود که اهمیت کتاب و مخصوصاً تاریخ آن آشکار گردید. در واقع تاریخ کتاب، چنانکه از تحقیقات انجام گرفته برمی‌آید، از تاریخ متن جدا نیست. زیرا بوم آن صورت چاپی یا دست‌نویس است.

تاریخ کتاب نه تنها با تاریخ متن اشتباه نمی شود، بلکه امکان می دهد تاریخ دوره ای که کتاب در آن تولید شده است، روشن شود.

اهداف نسخه شناسی

نسخه شناسی، برای دستیابی به یک طرح برنامه دار، باید در دو جهت توسعه یابد. نخست باید تا حد ممکن به دقت مجموع ففونی را که برای پدید آمدن نسخه خطی به کار رفته اند، شناسایی و تجزیه و تحلیل کند. در این زمینه دستاورد روش های آزمایشگاهی امکان می دهد تا به پرسش هایی که کالبدشکافی نسخه قادر به حل آنها نیست، پاسخ داده شود، پرسش هایی مانند ترکیب رنگ ها یا شناسایی الیاف یک کاغذ.^۱

نسخه شناس، بدون بهره گیری از ابزارهای اندازه گیری نمی تواند تعداد کافی داده های لازم برای تحقیق را فراهم کند. در این میان شکیبایی و کنجکاوی، ارزشمندترین دستیاران او خواهند بود. شاید کتاب حاضر نیز که در درجه اول به همین منظور تدوین شده است، او را یاری نماید، چرا که هدف از تألیف آن، بازیابی خواننده به عناصری است که به او امکان بازشناسی روش هایی را می دهد که هنرمندان نسخه پرداز مورد استفاده قرار می دادند.

اما این تجزیه و تحلیل به خودی خود هدف نهایی نیست، بلکه باید با کوشش در جهت سالیابی و حتی تعیین فنون مختلف همراه باشد. بدین ترتیب، هر گونه کار در این زمینه، اساساً نیازمند ایجاد مجموعه هایی مرتبط از اسنادی است که یکدیگر را تبیین کنند. برخی از این شواهد دارای تاریخ و گاه دارای نشانی از منشأ خود هستند: نقش آنها در پیشرفت مقایسه هایی که نسخه شناس بدان مبادرت می ورزد

۱. گردهمایی فنون آزمایشگاهی در خدمت مطالعات نسخه شناسی که چندی پیش در مرکز ملی پژوهش های فرانسه (colloques internationaux du CNRS, 548) در پاریس برگزار شد دورنمایی از این امکانات به دست داد. در گزارش های این گردهمایی دورنمای مختصری درباره تازه ترین روش های تشخیص عناصر ترکیب کننده مرکب ها و مواد رنگی وجود دارد. و نیز در رم، انجمن مرکزی آسیب شناسی کتاب / l'Institut centrale per la patologia del libro تجربیات بسیاری در این زمینه دارد.

اهمیت بسیار دارد. اگر کسی که نسخه را بررسی می‌کند، آن را به طور منفرد^۱ در نظر آورد، از لحاظ نسخه‌شناسی، بیش از هر چیز، در معرض خطا و اشتباه بسیار بزرگ قرار گرفته است.^۲ بسیاری نسخه‌هایی که برای آنها حداقل در شرایط کنونی، نسخه بدل یافت نشده است. البته این نسخه‌ها الزاماً نسخه‌های «منحصربه‌فرد»، رونوشت‌های یکتا از یک متن، نیستند، بلکه نسخه‌های مکرر آثار بسیار مشهور، بیش از همه، مانند قرآن، هستند که بررسی ویژگی‌های آن به دلیل فقدان نسخه‌های بدل، دشوار می‌نماید. برای نمونه ملاحظات ژاک برک / Jacques Berque در مورد قرآن تونس، کتابخانه ملی به شماره ۱۴.۲۴۶، محل ایراد هستند زیرا او این نسخه را به گونه‌ای منفرد، جدا از نسخه‌های بدل بررسی کرده است، و در حالی که این نسخه در میان گروه نسبتاً بزرگی از نسخه‌های خطی جای دارد.

شمار نسخه‌های به خط عربی، حقیقتاً بسیار است و بسیاری از آنها یا خوب معرفی نشده‌اند و یا اصلاً ناشناخته مانده‌اند. برای مثال، کشف مخزن نسخه‌های خطی قرآن صنعا که تحولی در شناخت ما از سده‌های نخست اسلام ایجاد کرد.^۳ بنابراین ضروری است کوششی وسیع‌تر برای شناخت واقعی میراث مکتوب عربی-اسلامی، در ابعاد متنوع آن انجام گیرد. دامنه نگرش ما به این موضوع در حال حاضر همچنان ناقص و وابسته به دانشی است که در حال شکل‌یابی است. ضعف کتاب حاضر نیز ناشی از این امر است و تدوین آن، تنها گامی مقدماتی به حساب می‌آید.

نسخه‌شناسی و کهن‌خط‌شناسی

در میان عناصری که در ساخت نسخه خطی دخیل هستند، خط، جایگاهی شایان توجه دارد. متخصصان نسخه‌های غربی، به طور سنتی، جایگاه خاصی برای پژوهش خط قائل‌اند: در واقع کهن‌خط‌شناسی که از جنبه تاریخی، بسیار قدیمی‌تر از

1. «The Koranic text: From revelation to compilation», dans G. Atiyeh éd., *The book in the Islamic world*, p. 25.
2. F. Déroche, «The Ottoman roots of a Tunisian calligrapher's *tour de force*», dans *Interactions in art* (Ankara, sous presse).

نسخه‌شناسی است به شکلی قابل توجه رشد کرد و توسعه یافت و بدین ترتیب به یک شعبه علمی مستقل مبدل شد.^۱ در زمینه نسخه‌های عربی - اسلامی دلایل مختلف سبب به تأخیر افتادن مطالعه جدی خطوط متداول و پیدایش تحلیل دقیق اشکال تحول خطوط شده است. بنابراین منطقی خواهد بود که علمی را که موضوع آن مطالعه این خطوط است در چهارچوب نسخه‌شناسی مورد توجه قرار دهیم، هرچند این سخن به هیچ وجه به این معنی نیست که خطوط نسخه‌های خطی را کاملاً جدا و متمایز از خطوط کتبه‌ها یا پاپیروس‌های عربی تلقی کنیم.

تاریخچه کتاب‌های به خط عربی

جهت دیگری که نسخه‌شناسی باید به آن سمت هدایت شود فعلاً یک آرمان دور جلوه می‌کند: نسخه‌شناسی اینک در کار گردآوری صبورانه داده‌هایی است که به کمک آنها می‌توان در آینده تاریخچه کتاب دست‌نویس به خط عربی را تدوین کرد، البته در آن صورت این تاریخچه بازتاب واقعی شرایط فکری، معنوی، اجتماعی، اقتصادی و حتی فنی‌ای خواهد بود که کتاب در آنها شکل گرفته است. برخی از دانشمندان گاهی این رشته از دانش را به سمت هدف‌های دقیق‌تر جهت داده‌اند. رودولف زلهایم / Rudolf Sellheim در کتاب *مصالح لازم برای تدوین تاریخ ادبیات عربی* / *Materialen, t. I, II* اولویت را به بررسی یادداشت‌های متعددی که در حواشی نسخه‌ها دیده می‌شوند داده است و به مطالعه تاریخ متون توجه خاص کرده است، یعنی به این ترتیب کوشیده است تا تحقیق نسخه‌شناسی را در خدمت بررسی تاریخ ادبیات قرار دهد. البته تاریخ ادبیات می‌تواند به نسخه‌شناس

۱. برای بحث در زمینه مواضع هر دو رشته ر. ک: J. Lemaire, *Introduction*, p. 3, 4, n. 5 et 6.

۲. متخصصان آلمانی‌زبان اصطلاح "Handschriftenkunde" (دانش دست‌نوشته‌ها) را به کار می‌برند که قدیمی‌تر و گستره معنایی آن وسیع‌تر از "codicologie" است، و همین نکته جهت‌گیری متفاوت در این زمینه را توجیه می‌کند. در فرانسه، انجمن تحقیقات و تاریخ متون / l'institut de Recherches et d'Histoire des textes با اهداف مشابه تأسیس شده است و در آنجا نسخه‌شناسی جزء اصلی تاریخ متون به حساب می‌آید.

کمک کند، به این معنی که مثلاً او را از وجود خانواده‌های نسخه‌های خطی یعنی نسخه‌هایی که از روی یک متن اصلی استنساخ شده‌اند مطلع سازد، متنی که گاه از اقصی نقاط بدان جا راه یافته است.

نسخه‌شناسی و فهرست‌نگاری

اهداف نسخه‌شناسی، آن را وارد علوم کمکی تاریخ نموده است. با این حال، نقش آن به گردآوری عناصری که به درک بهتر تاریخ یک دوره کمک می‌کنند محدود نمی‌شود. اکنون در پرتو شناخت هرچه دقیق‌تر شیوه‌هایی که در دوره‌های مختلف برای به وجود آوردن یک نسخه خطی به کار گرفته شده‌اند امکان‌سال‌یابی و حتی تعیین مکان کتابت - در نسخه‌های فاقد تاریخ و مکان کتابت - به تدریج، دقیق‌تر می‌شود.

اما پر واضح است، خدماتی که نسخه‌شناسی می‌تواند در اختیار کسانی قرار دهد که مبنای کارشان تحقیق در مورد نسخه‌های خطی است، قبل از هر چیز وابسته به انجام کار صبورانه در زمینه گردآوری دقیق داده‌ها، تحلیل موشکافانه و به کارگیری آنهاست. ما امیدواریم که پیشرفت‌هایی که در زمینه فهرست‌نگاری^۱ خصوصاً در زمینه توصیف نسخه‌ها به دست خواهند آمد ابزارهای لازم را برای تحقق این پیشرفت در اختیارمان بگذارند. کتاب حاضر مرهون کار و تحقیق شایان توجهی است که در طی یک ربع قرن مؤلفان فهرست‌های جدید به شایستگی انجام داده‌اند، و ما در اینجا مراتب سپاسگزاری خود را نسبت بدیشان ابراز می‌داریم.

این امور ساده اما ضروری، مستلزم به کارگیری واژگانی دقیق و قابل قبول است. به سعی و همت آقای دنیس موزرل^۲ / Denis Muzerelle واژگانی (به زبان فرانسوی) در اختیار داریم که برای تعریف اصطلاحات فنی مورد استفاده به وفور از آنها استفاده کرده‌ایم. البته تنها زمانی که سخن از نام‌گذاری اجزاء مختلف نسخه است، بر استفاده از واژگان دقیق تأکید می‌نماییم. نسخه دارای یک «عطف» است

۱. ر.ک: فصل پایانی.

2. *Vocabulaire codicologique. Répertoire méthodique des termes français relatifs aux manuscrits* (Rubricæ, 1), Paris, 1985.

که در نسخه‌های به خط عربی، هنگامی که برای خواندن باز می‌شوند، در سمت راست قرار دارند. دوختی که جزوهای یک نسخه را به هم پیوند می‌دهد در همین قسمت قرار دارد. سه جانب دیگر آن «لبه»‌ها هستند، و در مقابل عطف، در سمت چپ، «کناره / لبه جلو» جای دارد. بخش بالای نسخه، که نسبت به نگاه خواننده، دورتر از جاهای دیگر آن است «سر / بالا» نامیده می‌شود، و بخش پایین یا آن قسمت که از همه جای کتاب به خواننده نزدیک‌تر است «لبه پایین» خوانده می‌شود.

شیوه‌ها

کاربرد صحیح نسخه‌های اصل و تصویربرداری^۱

هرگونه بررسی و ملاحظه داخل یا خارج یک کتاب باید با نهایت احتیاط انجام گیرد. کار کردن با نسخه اصل امکان می‌دهد تا صورتی از عناصر قابل ملاحظه فراهم کنیم، قطع کتاب، ضخامت کاغذ، مساحت نوشته را اندازه بگیریم، جایی از کتاب را که لازم است در بررسی آنها ابزارهای فنی به کار ببریم مشخص نماییم (ذره‌بین، پویشگر، چراغ، اشعه، بتاگرافی، نرم‌افزارهای آنالیز تصویر)، موادی که در نسخه به کار رفته شناسایی کنیم (انواع مرکب، کاغذ، رنگیزه) خواه با چشم، خواه به کمک ذره‌بین دوچشمی، و خواه از راه تجزیه و ترکیب فیزیکی و شیمیایی، نمونه‌گیری‌های ذره‌بینی^۲ و بالاخره تعیین احتمالی تاریخ سند از راه بویی که از آن متصاعد می‌شود زیرا می‌دانیم که پوستی که تازه دباغی شده باشد بویی خاص از خود متصاعد می‌کند.

از یک اثر تصویربرداری شده، حتی با کیفیت عالی، نمی‌توان رنگ دقیق بوم (پاپیروس، کاغذ یا پوست) را دریافت، فشردگی آن را اندازه گرفت، به کمک ماده شفافیت آن را بررسی و دانه روی چرم را مشخص کرد. از یک اثر

۱. به قلم آ. برتیه / A. Berthier.

۲. در پرتو تازه‌ترین روش‌ها امروزه دیگر گاهی ضرورت ندارد که هیچ‌گونه نمونه‌ای از نسخه‌ها گرفته شود. توضیح روش‌هایی که آسیبی به تمامیت نسخه نمی‌رسانند در فصل «ابزار و ...» این کتاب یافت می‌شود.

تصویربرداری شده، نمی‌توان ضخامت کاغذ را اندازه گرفت، وجود یا فقدان وصالی یا فصالی را دریافت، تراشیدگی‌ها و قطع نسخه، و شمارش جزوهای آن را ملاحظه کرد، کیفیت و ماهیت دوخت را باز شناخت، تشخیص مسطراندازی، مرکب، آسیب دیدگی یا پاک‌شدگی‌ها نیز بسیار دشوار است. بنابراین می‌توان گفت که توصیف کامل نسخه‌شناختی، جز براساس بررسی یک نسخه اصل ناممکن است. با این همه، تصویربرداری اسناد (عکس‌برداری، اسلاید، میکروفیلیم و میکروفیش، چاپ عکسی و اسکن تصویر) امکان دست‌کاری‌هایی را می‌دهد که انجام آنها بر روی نسخه اصل ممکن نیست. مشاهده تصاویر یک اثر، مرحله‌ای از کار گردآوری تصویرهای لازم برای زمان تجزیه و تحلیل است. اگر از قبل، با مراجعه به تصویر نسخه مشخص کرده باشیم چه چیزی را بینیم یا چه قسمتی از آن را بررسی کنیم دست‌کاری در نسخه اصل کمتر یا آسان می‌شود.

تصویربرداری دو نوع است: یک دسته آثاری که از قبل تصویربرداری شده‌اند (کتاب‌ها و نسخه‌های عکسی، آرشیوهای عکس، تصاویر دیجیتالی و انواع دیگر بانک‌های اطلاعاتی)؛ و دسته دیگر آثار تصویربرداری شده‌ای که محقق گرد می‌آورد، و در این صورت کارکرد آنها دقیق، روشن و هدف‌دار است: طرح‌ها یا گرت‌برداری‌ها (که امکان منطبق کردن داده‌ها را فراهم می‌کند)، فتوکپی کتاب‌ها یا نسخه‌ها از روی میکروفیلیم، بزرگ کردن تصاویر، تصاویر دیجیتالی.

روش‌های آزمایشگاهی در مطالعه نسخه‌های خطی^۱

متخصصان نسخه‌های خطی از مدتی پیش برای کمک به کارهای خود متوسل به فنون شیمیایی و فیزیک شده‌اند، چه در زمینه بازیابی خطوط محو شده، چه در مورد شناسایی جانوری که از چرم آن برای تهیه پوست استفاده شده، چه در امر تجزیه و تحلیل عناصر سازنده کاغذ یا شناسایی رنگیزه‌ها و مواد رنگی که کاتبان و مذهبان به کار برده‌اند. در حال حاضر شیوه‌هایی که به کار برده می‌شوند به سرعت در حال تغییر و تحول هستند. این شیوه‌ها روز به روز دقیق‌تر می‌شوند و کاربرد آنها

1. Par B. Guineau et J. Vezin.

آسان‌تر می‌شود هر چند که هنوز انجام همه کارها مقدور نیست. در این چند صفحه قصد ما تنها ارائه توضیحاتی درباره چشم‌اندازهایی از شیوه‌هایی است که در اختیارمان هستند. به منظور تکمیل این توضیحات به گزارش‌های چهار گردهمایی اشاره می‌کنیم که خواننده در آنها به اطلاعات بنیادی دست خواهد یافت. این گزارش‌ها به گونه‌ای آسان خواننده را با امکانات موجود آشنا می‌کنند،^۱ اما او را از مراجعه مستمر به انتشارات جدید و کسب نظر از شیمیدان‌ها و فیزیکدان‌های صاحب‌نظر بی‌نیاز نمی‌کنند. در حقیقت، در این زمینه مثل زمینه‌های دیگر روش‌ها و ابزارها به سرعت بسیار در حال تحول و تکامل هستند.

راه‌هایی برای قرائت خطوط محو شده

از قرن نوزدهم به بعد کوشش‌هایی برای بازیابی خطوط تراشیده شده یا محو شده به کمک معرف‌های شیمیایی انجام گرفته است. در این میان مخصوصاً کاردینال آنجلو مای / Angelo Mai بسیار کوشید تا با کمک این روش طرس‌ها / palimpseste (ورقی که نوشته آن را پاک می‌کردند و مجدداً می‌نوشتند) را رمزگشایی کند. البته نتایجی که او به دست آورد متأسفانه مأیوس‌کننده بود. به این معنی که نوشته‌ها فقط به مدت چند لحظه کوتاه ظاهر می‌شدند و بعد برای همیشه از میان می‌رفتند و پوست هم بر اثر موادی که به کار برده می‌شدند به طور جبران‌ناپذیری آسیب می‌دید و در نتیجه هر گونه کوشش بعدی برای قرائت خطوط ناممکن می‌شد، لذا استفاده از آن روش‌ها متوقف شد. در عین حال باید خاطر نشان کرد که برخی از شیمیدان‌ها روش‌های تازه‌ای پیشنهاد می‌کنند و اطمینان خاطر می‌دهند که این روش‌ها بی‌خطر هستند.

در حال حاضر قرائت متون در زیر اشعه فرابنفش ساده‌ترین و رایج‌ترین

1. *Les techniques de laboratoire dans l'étude des manuscrits*; L. Fossier et J. Irigoin éd., *Déchiffrer les écritures effacées*, Paris, CNRS, 1990; *Pigments et colorants de l'Antiquité et du Moyen Age. Teinture, peinture, enluminure, études historiques et physico-chimiques*, Paris, CNRS, 1990; M. Maniaci et P. F. Munafò éd., *Ancient and medieval book materials and techniques*. On trouvera aussi quelques références utiles dans l'ouvrage suivant: Linda L. Brownrigg éd., *Making the medieval book: techniques of production* (proceedings of the Fourth Conference of the Seminar in the History of the Book to 1500, Oxford, juillet 1992), Los Altos Hills, 1995.

روشی است که برای زنده کردن نوشته‌های تراشیده شده یا محو شده به کار می‌رود. می‌توان این کار را به صورت قرائت مستقیم زیر لامپ فرابنفش (وود / Wood) انجام داد. اما عیب این شیوه این است که چشم را خسته می‌کند، حتی اگر عینک محافظ داشته باشیم. روش رایج‌تر این است که از قسمت‌هایی که می‌خواهیم قرائت کنیم کلیشه تهیه نماییم. در نتیجه هم دید انسان سالم می‌ماند و هم از مدت زمانی که سند در برابر اشعه فرابنفش قرار می‌گیرد به مقدار قابل ملاحظه کاسته می‌شود، زیرا به طوری که می‌دانیم این اشعه چندان بی‌خطر نیست. عکس‌های فلورسانس فرابنفش این امتیاز را نیز دارند که می‌توان آنها را سر فرصت بررسی کرد و تحت آزمایش‌های مختلف قرار داد و به دلخواه بزرگ و کوچک کرد. بدین ترتیب می‌توان مزایای روش‌های مختلف را با هم درآمیخت.

یک روش جدیدتر «انعکاس‌نگاری فرابنفش» است که در زمانی که متن با مرکب زاج و مازو نوشته شده باشد نتایج بهتری به دست می‌دهد. در مورد مرکب دوده، یعنی مرکب‌هایی که در مشرق زمین غالباً مورد استفاده بوده‌اند، «انعکاس‌نگاری فروسرخ» نتایج خیلی بهتری می‌دهد، البته در صورتی که کار با دوربین ویدیکن / Vidicon متصل به نمایشگر و با فیلتر مناسب انجام شود.

نور فروسرخ یک امتیاز دیگر هم دارد که البته در آزمایشگاه‌های پزشکی قانونی کاملاً شناخته شده است؛ به کمک این روش خواندن متون «محو شده» یا پوشیده در زیر لایه‌ای از رنگ ممکن می‌شود. به این ترتیب در موارد لازم، می‌توان زیر یک تذهیب، دستورالعمل‌هایی را که خطاب به نقاش در روی چرم نوشته شده بوده‌اند و اکنون با رنگ پوشیده شده‌اند، بازیابی کرد.

در دهه ۱۹۷۰ میلادی روش‌های تازه‌ای ابداع شدند که بازیابی متون محو شده را با تشدید تضاد رنگ ممکن می‌سازند. این روش‌ها، از طریق نورشناسی مبتنی بر تجزیه و تحلیل نورسنجی تصاویر یا تجزیه و تحلیل رقومی عمل می‌کنند. از آنجا که می‌توان این دو شیوه را نه بر روی اصل اسناد، بلکه بر روی کلیشه‌هایی که به کمک نور فرابنفش یا فروسرخ گرفته شده‌اند و امکان مرئی شدن تصویرهای گرفته شده را فراهم می‌آورند، به کار گرفت بسیار امیدبخش هستند. البته پیشرفت‌هایی که در این

زمینه به دست آمده‌اند هنوز نتیجه چندان درخشانی در مطالعات نسخه‌شناختی به دست نداده‌اند زیرا که این کار مستلزم در اختیار داشتن ابزار خیلی دقیق‌تر و تکامل یافته‌تری است که نسبتاً گران تمام می‌شوند.

به کار بستن صحیح و دقیق این فنون مختلف گاهی نتایج بسیار درخشان می‌دهد، هرچند که نباید انتظار معجزه داشته باشیم، به این معنی که اگر یک متن کاملاً شسته یا تراشیده شده باشد به طوری که هیچ اثری از مرکب باقی نمانده باشد طبعاً نمی‌توان امیدوار بود که چیزی از آن خوانده شود. در مورد نشان مالکیت نسخه‌ها نیز همین گونه است زیرا مالکان بعدی، آنها را با تمام نیرو پاک کرده‌اند و در نتیجه محققان را از اطلاعات سودمند درباره تاریخچه آن نسخه محروم کرده‌اند. نکته دیگر این است که گاهی به نوشته‌هایی برمی‌خوریم که با قلم نوک تیز روی پوست رسم شده‌اند. بازیابی این یادداشت‌ها معمولاً دشوار است. تصویرهایی که با نور مورب از آنها گرفته می‌شوند کار قرائت آنها را تسهیل می‌کنند.

شناسایی رنگیزه‌ها و رنگ‌زاهای

روش‌های آزمایشگاهی خدمات دیگری نیز ارائه می‌کنند. از حدود چهل سال پیش فنون تجزیه و ترکیب فیزیکی-شیمیایی رنگیزه‌ها و رنگ‌زاهای مورد استفاده در نسخه‌های خطی، پیشرفت‌های بسیاری داشته‌اند هم در زمینه کیفیت، دقت و وضوح نتایج به دست آمده، و هم در سهولت بسیار در انجام آزمایش؛ و این امر البته در پرتو اصلاح و کوچک کردن برخی از دستگاه‌ها انجام گرفته است زیرا اکنون می‌توان آنها را به آسانی به محل نگاهداری نسخه‌ها حمل کرد. در واقع جابه‌جا کردن نسخه‌ها و انتقال آنها به یک آزمایشگاه فیزیک مخاطره‌انگیز است، و لذا اگر قرار بر استفاده از ابزارهای ثابت باشد، معقول‌تر آن است نمونه‌برداری ذره‌بینی (میکروسکوپی) انجام دهیم.

فنون مختلف تجزیه و تحلیل ذره‌بینی نتایج مطلوبی به دست می‌دهند، حتی هنگامی که تنها نمونه‌های بسیار کوچک در اختیار داشته باشیم (اندازه‌های نمونه‌ها مخصوصاً بر اثر مشکلات ناشی از دست‌کاری‌ها محدود می‌شود). در میان

روش‌هایی که می‌توان به کار بست می‌توان به دو دسته از آنها اشاره کرد: یک دسته روش‌های تجزیه و تحلیل مقدماتی یا ابتدایی که رایج‌ترین آنها در حال حاضر بدون تردید «میکروسکوپی الکترونیک» متصل به اشعه ایکس با پراکنش نیروست که EDXS نامیده می‌شود.

دسته دیگر روش‌های مختلف تجزیه و تحلیل ساختاری (تجزیه و تحلیل عناصر ترکیب کننده) هستند مثل طیف‌سنجی جذب فروسرخ، طیف‌سنجی فلورسانس فرابنفش مرئی، طیف‌سنجی انبوه، طیف‌سنجی رامان / Raman، روش‌هایی که در سال‌های اخیر به صورت ابزاری در مطالعه نمونه‌های بسیار کوچک درآمده‌اند و موجب ابداع فنون ذره‌سنجی جدیدی شده‌اند. از طرف دیگر روش‌های تجزیه و تحلیل هسته‌ای ابداع شده‌اند (از راه فعال کردن نوترون یا پروتون)، روش‌های تجزیه و تحلیل مقدماتی که بسیار حساس هستند و می‌توان آنها را برای بازیابی و شناسایی ناچیزترین آثار عناصر یک نمونه به کار گرفت.

این روش‌ها در مورد مبدأ مصالح به کار برده شده در نسخه، اطلاعات دقیق و سودمند به دست می‌دهند. در عین حال هیچ‌یک از این روش‌ها نمی‌تواند به تنهایی به همه پرسش‌های مطرح شده پاسخ گوید، و غالباً اتفاق می‌افتد که یک نمونه ذره‌بینی تحت چند آزمایش مختلف پی در پی قرار می‌گیرد. بدین ترتیب نباید هنگام آزمایش از میان برود.

اکنون روشن شد که بررسی یک نمونه ذره‌بینی، در صورتی که ممکن باشد، مستلزم وقت زیاد است و گاهی خیلی پرخرج می‌شود. از این نظر افزودن اقدامات و تهیه نمونه‌های مختلف برای انجام مقایسه‌های احتمالی، بسیار دشوار است. وجود ابزارهایی که به آسانی قابل حمل به محل نگاهداری نسخه‌ها باشند و امکان دهند که در همان جا اندازه‌گیری رنگ‌ها از طریق طیف‌سنجی انعکاسی انجام گیرد، بسیار مفیدتر و کاراتر خواهد بود. چنین دستگاهی را اخیراً برنار گینو / Bernard Guineau¹ در یکی از کارگاه‌های مرکز ملی تحقیقات علمی فرانسه / CNRS در شهر اورلئان /

1. B. Guineau, «Non-destructive analysis of organic pigments and dyes using Raman microprobe, microfluorometer or absorption microspectrometer», *Studies in conservation*, 34, 1989, p. 38-44.

Orléans ابداع کرده است. زمان لازم برای اندازه‌گیری به وسیله این روش بسیار کوتاه است، چندان که می‌توان آن را به دلخواه تکرار و تجدید کرد، به ویژه که هزینه آن هم چندان گران نمی‌شود.

در پرتو شمار فراوان اندازه‌گیری‌ها و ملاحظات که می‌توان بر روی یک نقاشی انجام داد می‌توان تخته رنگ مورد استفاده هنرمند را شناسایی و مشخص کرد. مقایسه نتایج اندازه‌گیری‌هایی که روی آثار مختلف منتسب به یک نقاش انجام گرفته‌اند، عنصر مهمی در تشخیص هویت آثار است، چرا که به این ترتیب تعیین صحت یا تناقض نتیجه‌گیری‌های منتج از تنها یک تجزیه و تحلیل سبک‌شناختی ممکن می‌شود. این نیز جالب خواهد بود بررسی کنیم آیا دستورالعمل‌های موجود در برخی جنگ‌های سده‌های میانی با نتایج تجزیه تحلیل‌های کنونی منطبق می‌شود.

تاریخ‌گذاری

از چندی پیش آزمایشگاه‌ها اقدام به انجام آزمایش‌هایی برای تعیین تاریخ پوست‌های قدیمی به کمک کربن ۱۴ کرده‌اند، این روش بسیار امیدبخش است اما فقط در جایی ممکن است که عناصر لازم برای مقایسه به اندازه کافی موجود باشند. از طرف دیگر، به کار بستن این روش مستلزم نمونه‌برداری از یک سطح بسیار بزرگ است، هرچند که مقدار لازم برای تجزیه و تحلیل به حداقل کاهش یافته است (تا کمتر از یک سانتیمتر مربع در پاره‌ای از موارد)، بگذریم از اینکه برخی از آزمایش‌ها مستلزم بازیابی به ابزارهایی هستند که فعلاً تعدادشان بسیار اندک و هزینه آنها متأسفانه بسیار زیاد است.

صرف‌نظر از فنون مورد استفاده، یک سنجش منفرد، به خودی خود اهمیت چندانی ندارد و تعداد سنجش‌ها نیز نمی‌تواند موجب به دست آمدن اطلاعات قابل استفاده شود مگر اینکه مسئله با هماهنگی کامل میان شیمی - فیزیکدان و کهن‌خط‌شناس یا نسخه‌شناس به دقت مشخص و روشن شده باشد: شیمی - فیزیکدان به این نیاز دارد که بفهمد که از او چه توقعی دارند تا بتواند مناسب‌ترین روش‌ها را پیشنهاد کند، یا در غیر این صورت، محدوده امکانات کنونی را نشان دهد.

نسخه‌شناسی و موضوع پژوهش

همان گونه که عنوان رشته نسخه‌شناسی، بیانگر موضوع آن - نسخه - است، به همان صورت، توسعه زمینه‌های الحاقی، تعریف‌کننده حوزه این دانش است. چشم‌پوشی از این دشواری و انتخاب عنوان «مقدمه‌ای بر نسخه‌شناسی» برای این کتاب، گمراه‌کننده خواهد بود. در حال حاضر به نظر می‌رسد این رشته به بخش‌های «منطقه‌ای» تقسیم شده است. تقسیم دقیق جغرافیایی در اینجا غیر ممکن است زیرا نسخه‌های مورد بحث در مکان‌هایی استنساخ شده‌اند که از اقیانوس اطلس تا دریای چین، از تنگه زنگبار تا سواحل ولگا را در برمی‌گیرد. اطلاق صفت «اسلامی» نیز چندان درست نمی‌نماید، زیرا در این صورت، نسخه‌های استنساخ شده به دست پیروان سایر ادیان را شامل نمی‌شود، هرچند آن نسخه‌ها، به‌طور نسبی، متعلق به گروه بزرگ‌تری هستند؛ و سرانجام آنکه خواننده در خواهد یافت که تعریف محدود به زبان، اگر نادرست نباشد، دست کم شتاب‌زده است؛ زیرا زمانی که نسخه‌های ایرانی یا عثمانی، مورد پژوهش‌های نسخه‌شناسی قرار گیرد، باید دوزبانگی (حتی سه‌زبانگی) بسیاری از نسخه‌برداران را در نظر گرفت؛ در این صورت، هنگامی که شخص واحدی، متونی را به عربی، فارسی و ترکی استنساخ کرده است، چگونه می‌توان مرزهای دقیق زبانی را تعیین کرد؟ بنابراین، ساده‌ترین راه حل، ارجاع به خط عربی است که وجه مشترک این دسته از نسخه‌های کتابت‌شده، به زبان‌های مختلف و متعلق به مناطق فرهنگی و جغرافیایی بسیار متفاوت است.

بدین ترتیب، یک‌بار دیگر وضعیت همچنان ابتدایی اطلاعات ما آشکار می‌شود، از این نظر که تعداد نسخه‌های به‌درستی شناخته‌شده، در قیاس با ده‌ها هزار مجلد که به لحاظ نظری، جزو این رشته مطالعاتی به شمار می‌روند، بسیار ناچیز است. از این رو، محتوای فصل‌های پیش‌رو، تنها می‌تواند نقطه آغازی برای پژوهش‌های دقیق‌تر و مبسوط‌تر باشد. با این همه، مؤلفان کتاب امیدوارند در توصیف و تشریح اساسی‌ترین ویژگی‌های نسخه‌ها موفق شده باشند و نتیجه آن برای پژوهندگان این عرصه دشوار اما شیرین، مفید و سودمند بوده باشد.